

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانعلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۶ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۲۶ آوریل ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

پرچم جهان متمدن را علیه جنگ تروریستها برافرازیم!

پیام حمید تقوایی به مناسبت اول مه



حمید تقوایی

سوسیالیستی تجمعات اول مه در سال گذشته، حمایت شما کارگران از جنبش زنان و دانشجویان در ایران و از مبارزه کارگران و دانشجویان فرانسه، همه و همه نشاندهنده نقش و وزنی است که جنبش کارگری در صفحه ۲

دوستان کارگر!
سال گذشته سال ما کارگران بود! مبارزات و اعتصابات متعدد و گسترده، که اوج آن مبارزه پرشکوه کارگران شرکت واحد و حمایت متحدانه و بیسابقه کارگران جهان از این مبارزه در روز پانزده فوریه بود، مطالبات و شعارهای رادیکال و پایه ای نظیر افزایش حداقل دستمزد به پانصد هزار تومان و مطالبه آزادی تشکیلهای کارگری و انحلال انجمنهای اسلامی، مقابله با رفسنجانی و ایادی خانه کارگریش در اول مه سال گذشته و در جریان مضحکه انتخاباتی رژیم، بیانیتهای و قطعنامه های رادیکال و

جهان دوره یکه تازی بازار آزاد و وعده های پوچ و ریباکارانه دمکراتهای نظم نوینی را پشت سر گذاشته است. برخلاف ریاکاران و شعبده بازان سیاسی که تلاش داشتند جهان پس از جنگ سرد را صفحه ۲

ایران و کره و آرژانتین برای دفاع از معیشت و حرمت خود و جامعه درگیر جنگی وسیع با بورژوازی است، یک امر بیش از هر زمان باید در صرافت مبارزه کارگری قرار گیرد! سوسیالیسم همین امروز!

در اوضاع سیاسی امروز جهان، در شرایطی که سرمایه داری بیش از هر زمان تروریسم و میلیتاریسم و فقر و واپسگرانی را نمایندگی میکند، در اوضاعی که طبقه کارگر از فرانسه و ایتالیا و آلمان تا

روز جهانی کارگر امسال تعیین کننده است

کارگر کلیدی و مهم است. بلکه علاوه بر موارد ذکر شده امسال اول مه در دل فضای سیاسی خاصی برگزار میشود. امسال ما در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که فضای جنگی میان جمهوری اسلامی و آمریکا نفسها را در سینه کل بشریت مشرقی حبس صفحه ۲

روز جهانی کارگر دارد نزدیک میشود این روز امسال برای طبقه کارگر در ایران مهم و تعیین کننده است. این روز تعیین کننده است نه تنها به این خاطر که سنتاً کارگران در این روز ادعای خود را علیه نظام سرمایه داری اعلام کرده اند، نه تنها به این خاطر که نقش طبقه



محمد آسنگران

اول ماه مه و افق کارگری

صمد - از ایران

صفحه ۴

پاسخ به سوالات دریافتی

عبدال کلپریان

صفحه ۵



صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سوسیالیسم همین امروز!

از صفحه ۱



آلمان و ایتالیا و کشورهای مهم اروپا، اعتراضات و اعتصابات

دنیای "صلح و دموکراسی و رفاه" در اذهان توده های میلیونی کارگران تصویر کنند، برای هر انسان باشرف و منصفی بار دیگر معلوم شد که امر بهبود و تغییر اوضاع بنفع توده های کارگر و مردم محروم تنها و تنها باید به مبارزه سوسیالیستی کارگری متکی باشد. بار دیگر معلوم شد که کارگر در تهران و نیویورک و پاریس و هر گوشه جهان امر مشترک و دشمن طبقاتی مشترکی دارد. معلوم شد که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم و بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به یک منجلاب تبدیل میشود. رویدادهای اخیر در فرانسه و یا اعتصابات و اعتراضات گسترده در انگلستان و آمریکا، مبارزات میلیونی سالهای اخیر در

سیاسی در آمریکای لاتین، بر آغاز یک دوره جدید تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری نقطه قوت مهم طبقه کارگر است که این طبقه را در صحنه سیاست در مقابل طبقات حاکم، جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلامی و احزاب راست و غیرکارگری نمایندگی میکند. کارگران در کشورهای مختلف برای پیشروی و حضور موثر در صحنه سیاست به حزب سیاسی و طبقاتی خود نیاز دارند. تحزب کمونیستی راه حل کمونیستی کلید اصلی بازگشت موثر طبقه کارگر به صحنه سیاست است. اول مه امسال باید پرچم سوسیالیسم کارگری و مارکس و نیاز و ضرورت و مبرمیت تغییر جهان در صف مقدم اجتماعات و

زنده باد اول مه!
زنده باد
انترناسیونالیسم کارگری!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۵
۲۱ آوریل ۲۰۰۶

و متمدنانه رهائی مردم جهان از وضعیت سیاهی است که جنگ تروریستی بر دنیا حاکم کرده است. اول مه امسال روز اعتراض و تعرض کارگران و مردم آزاده جهان به دنیای سیاه سرمایه داری معاصر است. با پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم به پیشواز اول مه برویم!

زنده باد اول مه،
زنده باد سوسیالیسم!

حمید تقوایی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۵
۲۴ آوریل ۲۰۰۶

کارگری یک دست و هماهنگ خطیر بودن این اوضاع را در یافته و این راه را انتخاب خواهند کرد؟ در مقابل این اوضاع حساس چه باید کرد؟ سایه این سوال بر سر اول ماه مه امسال گسترده است. جواب روشن است، راه حل روشن است، اما نیروی اجرا کننده این راه حل هنوز با این عزم جزم اعلام آمادگی نکرده است. با وجود تمام پیشرویهها و رو آمدن رهبران و شخصیتهای رادیکال و مترقی، هنوز بخش زیادی از نیروی طبقه ما

مبارزات شما را در هم بکوبد. به حکومت این اجازه را ندهیم. در اول مه امسال بر مطالبات برحق و انسانی خود پافشاری کنیم. با صدای بلند اعلام کنیم که ما آزادی و رفاه میخواهیم نه بمب و انرژی هسته ای! اعلام کنیم که پروژه هسته ای و تهدیدات نظامی هر دو باید فوراً متوقف شود. اعلام کنیم که راه ما مردم از این کشاکش میان قطبهای تروریستی و دولتهای سرمایه داری جداست. امروز چشم جهانیان به ما کارگران و زنان و جوانان ایران دوخته شده است! اعتراض و مبارزه ما برای دستیابی به حقوق و مطالبات انسانی و بر حتمان راه حل واقعی و انسانی

گسترده در ایران و ترکیه و آرژانتین و اسپانیا و معکوس شدن روندهای قدرت تمام پاسخ بگیرد. ما کارگران باید در پیشاپیش مردم آزاده دنیا پرچم جبهه سوم، جبهه جهان متمدن، در جنگ بین دو قطب تروریستی را بر افرازیم! بگذار روز اول مه امسال روز قدرتمانی این جبهه سوم، روز بیدان آمدن صف کارگران و مردم متمدن دنیا در برابر توحش سرمایه داری باشد.

کارگران، مردم آزاده ایران! جمهوری اسلامی میخواهد در پوشش خطر حمله نظامی و مقابله با شیطان بزرگ جامعه را مرعوب کند

پرچم جهان متمدن را علیه جنگ ...

از صفحه ۱

دیگر قرار داده اند. در کشمکش که حول پروژه هسته ای جمهوری اسلامی در گرفته رژیم در پی تثبیت موقعیت لوزان خود در مقابل موج نفرت و اعتراضات مردم است و دولت آمریکا بدنبال تشبیت قدر قدرتی و سلطه خود بر خاورمیانه و بر دنیای "نظم نوین سرمایه داری" پس از جنگ سرد. این جنگ ما کارگران نیست. این کشمکش در اردوگاه جهانی سرمایه داری است که باید از جانب بشریت متمدن دنیا و کارگران جهان به نمایندگی از جهان متمدن با

تحولات سیاسی جامعه یافته است. اول مه امسال میتواند نقطه اوجی در سیر این پیشروی باشد. در اول مه در برابر نظم ضدانسانی سرمایه داری میدان بیابیم و پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم را در پیشاپیش صفوف مردم معترض و عاصی از وضعیت موجود برافرازیم.

کارگران مبارز!

امروز نیروهای ارتجاعی سرمایه داری جهانی، میلیتاریسم دول غربی و تروریسم اسلامی دنیا را در آستانه یک جنگ خونین

روز جهانی کارگر امسال ...

از صفحه ۱

جهان را، در اول مه امسال تحت تاثیر خود قرار داده است. جامعه و بشریت مترقی امروز باید بتواند از این بحران عبور کند. راه حل برای ما در ایران روشن است. ما باید در ایران تکلیف رژیم اسلامی را یکسره کنیم. یک قطب این جنگ و ترور، ۲۷ سال است که با ما مردم ایران و طبقه کارگر ایران در جنگ بسر میبرد. اما آیا رهبران و فعالین

بلکه اساساً خطر جنگ، بمباران، تحریم اقتصادی و سناریوی سیاه هم به فاکتورهای قبلی اضافه شده است. بنابراین این طبقه کارگر و مردم ایران اکنون نه تنها دغدغه نان و کار و آزادی دارند، بلکه نگرانی مهم شان این است که آیا جامعه را میتوانند از خطر جنگ و نابودی نجات دهند؟ این معضلی جدی و همه گیر است که کل فضای ایران و

کمرده است. این دو قطب تروریستی، دو طرف این کشمکش و بحران ایجاد شده، در ایران و فراتر از آن در جهان زندگی میلیونها انسان را در خطر تهدید و ناسودی قرار داده اند. نه تنها بیکاری و دستمزد پایین و تحمیل فقر به جامعه اکنون ذهن فعالین و رهبران و کل انسانهای مترقی را به خود مشغول کرده است

از صفحه ۲

روز جهانی کارگر امسال . . .

تاریخ ما کارگران و مردم آزادیخواه ایران در مقابل رژیم اسلامی، تاریخ کوتاه نیامدن، مبارزه کردن، در همه ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و ایدئولوژیک بوده است. جواب رژیم اسلامی سرکوب وحشیانه اعتراضات، قتل و کشتار و تحمیل فقر و فلاکت به همه جامعه و مردم در ایران بوده است.

اکنون ما بعد از ۲۷ سال تحمل شرایط سخت و غیر انسانی داریم کمر راست میکنیم. داریم سیمای و تصویر جامعه ای انسانی را در کل ایران و منطقه به همه انسانهای دردمند نشان میدهم. داریم امید به آینده و زندگی مرفه و شاد را بیش از پیش رواج میدهم. اما در وسط راهی که آغاز کرده ایم با مانع جدی و هولناکی روبرو شده ایم.

این بار مانع تنها سیاستهای قرون وسطایی رژیم حاکم نیست، اینبار تنها مانع خدایان زمینی و نمایندگان آن نیستند که در قامت وکیل و قاضی و سگ و پلیس و زندان و شلاق در مقابلمان ظاهر شده و صف کشیده اند. اینبار با داستان خر دجال و عکس اماشان در ماه و پیامبرانی که حرمسرا هایشان در قید حیات و قیامت همیشه همراهشان بوده است، نیست که میبخواهند تمدن و انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی را به مسلخ بکشند. اینبار با آخرین دستاوردهای علم بشری، با آخرین سلاحهای ساخته شده، با آخرین سیستم تبلیغاتی و امکانات مدرن

به جنگ ما آمده اند. این بار آخوندهای حاکم، مدافعین نظام سرمایه، فرماندهان و کمیته چپهایی که نسلی از ما را با اتکا به داستان خرد دجال و اسلام و قرآن و محمد و علی و حسن و حسین، و با اتکا به خدا و قیامت و پیامبر و عاشورا و تاسوعا قتل عام کردند، در قامت دیگری ظاهر شده اند. اینبار نه با این اراجیف مسخره، بلکه با اتکا به تکنولوژی هسته ای میخواهند همان اهدافی را دنبال کنند که ۲۷ سال قبل با داستانهای ۱۵۰۰ سال پیش دنبال کرده اند. این اهداف برای حفظ حاکمیت و قدرت

سیاسی و اقتصادی طبقه حاکم در ایران علیه ما است. و در رقابت با رقبایشان در ابعاد جهانی دارند کل جامعه را به ورطه نابودی میکشند. ۲۷ سال قبل دولتهای غربی و آمریکا به دنبال اینکه متوجه شدند که نمیتوانند شاه را نگهدارند، خمینی و سیدهای سبز و سیاه را سوار سر مردم کردند که رقابتهای جهانیان با بلوک شرق را بهتر پیش

حکومت "خودی" و "مستقل" خون ما را در شیشه کرده است. نسلی از ما را از دم تیغ گذرانده است، ما را از نان و کار و آزادی و رفاه ... محروم کرده است. این حکومت "ضد امپریالیست" قبرستانها را آباد و جامعه را ویران کرده است. ما اعلام میکنیم این بار نوبت محرومان است. اجازه نمیدهیم کسی، جریانی، خدایی، شاهی،



ببرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

صف مقابل آمریکا به ما میگردد برای مقابله با "امریالیسم" و تجاوزگری از حکومت "خودمان" که "مستقل" است دفاع کنیم. جواب ما این است که ۲۷ سال است که این

بیرند. نسلی از ما قربانی رقابتهای "جنگ سرد" آنها شد.

اکنون که نسل بعدی ما بعد از شکست انقلاب ۱۳۵۷ کمر راست کرده و میخواهد این "طفل شیرین" مولد رقابتهای جنگ سردی آنها را از صحنه جارو کند، باز هم با تشنج بین این دو قطب، علیه ما سنگر گرفته و ما را در شرایط سختی قرار داده اند.

ترفندی رسیدن به این هدف را از ما دور کنند. تنها قدرتی که بتواند این اهداف ما را به عقب براند، جنگ و سناریویی است که دو قطب تروریستی جهانی، اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکایی بتوانند به جامعه تحمیل کنند. ما باید در مقابل این سناریو، متحد و میلیونی به میدان بیاییم. ناگفته نماند صف دیگری به ما نوبد سرنگونی رژیم اسلامی و دموکراسی را بوسیله بمبهای آمریکایی میدهد. صف دیگری که از مردم و قدرت ما قطع امید کرده و چشم به آمریکا و تانک و توپ و دلار و پول آنها دوخته است. به ما میگویند که سرنگونی این رژیم بدون کمک خارجی و قدرت نظامی ممکن نیست. اینها نیروهای ضد جامعه هستند که دغدغه شان نه ما و زندگی ما، بلکه قدرت و امکاناتی است که در پس ویرانی جامعه عاید آنها میشود.

ما در مقابل این دو صف مدافع سرمایه و استثمار اعلام میکنیم: این جنگ جنگ ما نیست. این کشمکش در مقابل ما و صف انسانهای آزادیخواه خلق شده است. هرکدام برای تصاحب دسترنج ما به این کشمکش وارد شده اند. ما مردم ایران همراه مردم آزادیخواه جهان اعلام میکنیم که در مقابل این دو صف ارتجاعی می ایستیم. ما مردم ایران احتیاجی به سلاح هسته ای نداریم. ما خواهان خلع سلاح همه کشورهای دارنده این سلاح کشته و ویرانگر هستیم. ما در شرایطی که در فقر و گرسنگی بسر میبریم ایدا احتیاجی به صرف میلیونها دلار برای مخارج انرژی هسته ای نداریم. ما خواهان توقف همه این پروژه های بحران بر انگیز هستیم.

جنگی که این دو صف ارتجاعی در تدارک آن هستند علیه ما و مردم آزادیخواه جهان است. جنگ آنها برای رسیدن به منافع خودشان است. یکی میخواهد در رقابتهای جهانی قدر قدرتی خود را به جهانیان اثبات کند و آن یکی میخواهد سهم بیشتری در تقسیم قدرت عایدش شود و پایه های لوزان خود را محکم کند. ما از وجود و قدرت هر دوی اینها تا کنون متضرر شده ایم. ما مجبور نیستیم و نباید در کنار

هیچکدام از این دو قطب تروریستی قرار گیریم.

ما جبهه سوم، جبهه انسانهای آزادیخواه، جبهه تمدن و آزادی در مقابل این دو قطب قرار داریم. صف ما جهانی و میلیونی است. اتکالی ما به قدرت و سازماندهی همه انسانهایی است که برای یک دنیای بهتر تلاش میکنند. اتکالی آنها به قدرت اسلحه و خرافه است. ما باید در قدم اول تکلیف رژیم اسلامی در ایران را یکسره کنیم. ما از همه سازمانها و اتحادیه های کارگری، همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و انسانهای آزادیخواه انتظار داریم که در مقابله با این دو صف جنگ طلب، جبهه ما، جبهه سوم را تقویت کنند. این تنها راه مقابله با خطری است که در قدم اول مردم ایران و در قدمهای بعدی کل جامعه جهانی را تهدید میکند.

ما جنگ و بمب و گرسنگی و هرج و مرج نمیخواهیم. ما خواهان یک دنیای بهتر، یک دنیای عاری از اسلحه، عاری از بمب اتم و عاری از هر نوع وسیله و تکنولوژی هستیم که حیات انسان را با خطر مواجه میکند. برای رسیدن به یک زندگی برابر و انسانی باید این حاکمان بیرحم و قاتل را به زیر کشید. در قدم اول ما میخواهیم در ایران حاکمین اسلامی را که یک قطب این جنگ تروریستی است را به زیر بکشیم. در این راه کمک جهانیان و انسانهای مدرن در دنیا برای ما مهم و حیاتی است. اگر جبهه سوم بتواند به سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش افسار بزند و مهار کند، امکان پیروزی ما در ایران بسیار بیشتر است. این صف را در سطحی جهانی باید در مقابل هر دو قطب تروریستی سازمان داد و به میدان آورد.

پیام کارگران ایران به جهان متمدن اینست، از مبارزات برحق ما بر علیه حکومت اسلامی و برای سرنگونی این حکومت دفاع کنید. کمک کنید جامعه را از این تشنجهای خطرناک عبور داده و به هر دو قطب ترور و وحشت پاسخ محکمی بدهیم.

۲۵ آوریل ۲۰۰۶

اطلاعیه پایانی کنگره اول منصور حکمت

روزهای ۱۴ و ۱۵ آوریل اولین کنگره منصور حکمت در گوتنبرگ سوئد برگزار شد. هدف این کنگره بررسی دیدگاهها و نقطه نظرات و درافزوده های او به مارکسیسم بود. کنگره شامل نه سخنرانی و دو پانل و نمایش ویدئوی دو سخنرانی منصور حکمت بود.

روز اول کنگره با سخنرانی افتتاحیه آذر ماجدی برگزار کننده و مسئول بنیاد منصور حکمت آغاز شد. آذر ماجدی پیرامون هدف کنگره و جایگاه سیاسی و نظری منصور حکمت در جنبش مارکسیستی و کمونیستی اشاره کرد. در ادامه حمید تقوایی در باره "ویژگیهای مارکسیسم منصور حکمت"، مینا احدی در باره "مسئله زن، بررسی پاسخ منصور حکمت"، فرزاد ادیبی در باره "اومانیسم و مدرنیسم منصور حکمت"، و

سیاوش دانشور در باره نگرش منصور حکمت و کمونیسم کارگری پیرامون "حزب، فرد، هنر و سیاست" سخنرانی کردند. ویدئوی سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس

سخنرانیهها، منصور حکمت؛ سیاسی، تئوریک و شخصی بود. در این پانل آذر ماجدی، حمید تقوایی، علی جوادی، مینا احدی، فرزاد ادیبی و سیاوش دانشور شرکت داشتند.

روز دوم کنگره با سخنرانی



لندن در سمینار دوم مبانی کمونیسم کارگری بخشی دیگر از برنامه روز اول کنگره بود. قسمت پایانی کنگره پانل و سوال و جواب پیرامون

منصور حکمت، اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه حزب، در کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران آغاز شد. در ادامه علی جوادی در باره

"تفاوتهای منصور حکمت"، شهلا دانشفر در باره "منصور حکمت و جنبش کارگری"، هما ارجمند در باره "منصور حکمت و حقوق کودک"، سمیر نوری در باره "کمونیسم کارگری در عراق"، و آذر ماجدی در باره "منصور حکمت و تحزب کمونیستی" سخنرانی کردند. پانل و سوال و جواب پیرامون سخنرانیهها، منصور حکمت؛ سیاسی، تئوریک و شخصی بخش بعلی کنگره در روز دوم بود. در پانل روز دوم کنگره آذر ماجدی، علی جوادی، حمید تقوایی، سمیر نوری، شهلا دانشفر، هما ارجمند و اصغر کریمی شرکت داشتند.

کنگره اول منصور حکمت با سخنرانی اختتامیه آذر ماجدی پایان یافت.

منصور حکمت در زندگی کوتاه و پر بار سیاسی خود نقش مهم و خود ویژه ای ایفا کرد. او چه در ظرفیت یک نظریه پرداز برجسته

مارکسیست و چه در ظرفیت یک کمونیست انقلابی و رهبر سیاسی، که تمام تلاشش را معطوف به دگرگونی انقلابی جهان سرمایه داری قرار داد، تاثیر کار و تلاشش فراتر از دوره محدود زندگی اش خواهد رفت. امروز نه تنها در ایران و منطقه بلکه در اروپا و آمریکا منصور حکمت و آثارش مورد رجوع و بررسی قرار میگیرد. هر جا که جدال سیاسی و مبارزه طبقاتی به انسان و حق برابر و آزادی او نقب میزند، منصور حکمت منبعی غنی برای رجوع و پیشروی است. بنیاد منصور حکمت با انتشار آثار او و ترجمه به زبانهای مختلف و همینطور برگزاری کنگره ها تلاش میکند به مبارزه طبقاتی و جدل مارکسیستی غنا بدهد. همینجا از مارکسیست ها و دوستان منصور حکمت دعوت میکنیم در زمینه ترجمه و گسترش انتشار آثار منصور حکمت ما را یاری دهند.

بنیاد منصور حکمت
آوریل ۲۰۰۶

اول ماه مه و افق کارگری

صمد - از ایران

روز جهانی کارگرمسال نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری و جنبش مردمی خواهد بود که در حال مبارزه برای یک زندگی انسانی و مدرن است. کارگران معترض به سیستم سرمایه داری حاکم بر دنیا که دستاوردش فقر و گرسنگی و ارتجاع و جنگ است، به رویارویی با عامل اصلی این مصیبتها آمده اند. در ایران نیز با نگاهی گذرا به رویدادهای که در چند سال گذشته و بخصوص سال ۸۴ در تاریخ مبارزات جنبشهای اجتماعی به وقوع پیوسته، شاخصهای بسیاری را که دال بر اهمیت و سنگینی وزن جنبش کارگری میدهد می توان یافت. ابعاد اعتراضات و اعتصابات کارگری به حدی بود که حتی بخش

همراه خانواده هایشان بر سر دستمزدهای معوقه و خواست بالا رفتن دستمزدها به بالای خط فقر، پایداری فعالین با وجود تهدیدها و تعرضات رژیم و اعتصاب کارگران شرکت واحد در تهران همه و همه فاکتورهایی در تایید این مطلب هستند که جنبش کارگری ایران بسیاری از موانع گذشته را که میتوانست این جنبش را از مسیر واقعی و کارگری خود باز دارد گذاشته است. این مسائل نگاهها را در سطحی جهانی به سمت کارگران ایران چرخانده است. امروزه اکثر رسانه های خبری و تحلیلی گران مسائل سیاسی و اجتماعی یکی از چالشهای اساسی رژیم جمهوری اسلامی را همین اعتراضات و تحریکات کارگری میدانند.

سوال اساسی که امروز پیش روی طبقه کارگر و فعالین آن قرار گرفته و در مراسمهای اول ماه مه

امسال باید جواب بگیرد این است که افق کارگری و رادیکال برای رهایی جامعه در این دوران حساس چیست و چگونه نمایندگی میشود؟ تنها با جواب درست به این سؤال است که می تواند ترفندهایی از قبیل برنامه خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و مهمتر از همه فضای جنگ طلبی هر دو قطب ارتجاعی آمریکا و جمهوری اسلامی را خنثی کرد.

خوشبختانه حزب کمونیست کارگری ایران به عنوان رادیکالترین جریان اجتماعی و به عنوان تشنها جریانی که خواهان قدرت کارگری و مردمی میباشد در تدوین و بیان سیاست درست در این دوره هم نقش منحصر به فردی را ایفا کرده است. در تبیین افق جنبش کارگری و دیگر جنبشهای مترقی و اجتماعی علیه فضای جنگی و تهدید هر دو قطب علیه مردم نقش مهمی را ایفا

کرده است. بی شک حزب کمونیست کارگری در جریان اعتراضات کارگران شرکت واحد هم نقشی را ایفا کرد که که قبلاً در ابعاد کوچکتر در نساجی و شاهر ایفا کرده بود و این یکی بسیار با اهمیت و مهمترین حرکت کارگری بود. همگان شاهد تاثیر حزب کمونیست کارگری در این حرکت بودند.

هم دشمنان و هم مخالفین ما خوب متوجه شده اند هر جا حزب امکان دخالت داشته باشد تغییرات کمی و کیفی جدیدی به نفع مردم ایجاد میکند.

اما با این وجود امسال با نزدیک شدن به اول ماه مه تعدادی از جریانات به اصلاح چپ متاسفانه به جای آنکه در راه پیشروی طبقه کارگر گام بردارند، در یک حرکت ناشیانه و غیر سیاسی در حال مسموم کردن فضا هستند. در این راه حتی از استفاده از ادبیات

زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر!

پاسخ به سوالات دریافتی

از این پس ایسکرا صفحه ای را به سوالات خوانندگان نشریه اختصاص خواهد داد. سوالات زیر از طریق تماس و ارتباط چاتی دریافت شده است که در هر شماره به تعدادی از این سوالات پاسخ داده خواهد شد.

هوراز از سقزی می پرسند: حزب چگونه می تواند قدرت سیاسی را بگیرد آیا این امکان پذیر است؟

عبدل گلبریان: هوراز عزیز کسب قدرت سیاسی توسط حزب می تواند حالتی مختلفی داشته باشد. مطلوب ترین و ممکن ترین این حالت برای حزب از طریق سازمان دادن مبارزات و اعتراضات اجتماعی و در راس آن جنبش طبقه کارگر است که خواست و مطالبات این اعتراضات، مبارزات و این جنبش را نمایندگی می کند و با اتکا به همین فاکتور ساده و زمینی که حزب زبان خواست مطالبات میلیون ها انسان است، می تواند پشتوانه مادی و واقعی کسب قدرت سیاسی و در جریان یک حرکت انقلابی توسط توده های مردم و طبقه کارگر در جامعه باشد. زمینه و پیش درآمد چنین انقلابی هم اکنون موجود است.

عدم امکان پذیری کسب قدرت سیاسی برای حزب ما از جانب جریان و گرایشانی طرح میشود که خودشان به نحوی از انحاء در کسب قدرت سیاسی توسط جریان کمونیسم کارگری، متحمل ضرر و زیان خواهند شد. بورژوازی و جریانات راست جامعه از این دست هستند. از آنجا که حزب کمونیست کارگری از هم اکنون و در فردای کسب قدرت سیاسی، رفاه اجتماعی، بیمه بیکاری طب و آموزش و پرورش رایگان و خدمات عمومی را در خدمت جامعه قرار می دهد، لذا چون جایی برای مفتخوران سرمایه و استثمارگران باقی نخواهد ماند، از این روست که در مقابل این روند ایستادگی خواهند کرد. از طرف دیگر احزاب و جریانات اپوزسیون "چپ" نیز از

آنجا که تاریخا و سنتا قبیای اپوزسیون بودن را به قد و بالای خود دوخته اند و رسالتی جز در حاشیه بودن و اپوزسیون ماندن را ندارند، کسب قدرت سیاسی برای کمونیسم کارگری را میوه ممنوعه می دانند. باید از خود پرسید چگونه است که آخوندها و سرمایه داران مفتخور مدام بر منبر میروند و با داستان خر دجال و کار کشیدن از گرده کارگر و میلیون ها انسان می توانند قدرت را بگیرند. اما جریانی که از حرمت انسان، از آزادی و برابری و خوشبختی و سعادت انسان حرف میزند و آنرا هم در فعالیت فی الحال موجود خود دارد نشان میدهد، نمیتواند قدرت سیاسی را کسب کند. قدرت سیاسی برای حزبی که حرف دل میلیون ها انسان را میزند، صد چندان ممکن تر است.

شما کسی را در جامعه سراغ ندارید که آرزو کند اعدام شود، معتاد و گرسنه باشد، تن فروشی کند و بگوید خوش به حال خودم که دارم استثمار میشوم. میلیون ها انسانی که در این مملکت زندگی میکنند نه تنها خواهان این سیه روزی نیستند بلکه میخواهند سر به تن این رژیم نباشد. مردم میخواهند همچون انسان قرن بیستم و یکم زندگی کنند و در امنیت و رفاه و آسایش بسر ببرند. حزب کمونیست کارگری نماینده و سخنگوی خواست، آرزو و امیال این انسانهاست. به همین خاطر و بخاطر نکات بشمار دیگری که از حوصله این بحث خارج است، این حزب شانس اینترا دارد و میتواند قدرت سیاسی را کسب کند و جامعه را از این فلاکت و سیه روزی خلاص کند. باید به این حزب پیوست و برای رسیدن به این دنیای انسانی تلاش کرد.

روژولات از مشهد می پرسند:

چرا در حزب کمونیست کارگری انشعاب رخ داد؟ سوال بعدی ایشان این است که: ما کردها در مقابل اقتدارگرایان مجبور هستیم به هويت خود بازگردیم یعنی حق تعیین سرنوشت و دولت، مستقل، نظر شما در این رابطه چیست؟

ع. گلبریان: کسانی که از حزب کمونیست کارگری بیرون رفتند صاحب ترها و نقطه نظرانی بودند که با اهداف و سیاستهای جاری و مصوب حزب نه تنها خوانانانی نداشت بلکه از نظر استراتژی و به لحاظ سیاسی مواضع و دیدگاه هائی بودند که در تقابل با افق و سیاستهای حزب قرار داشتند. در همان مقطع طرح این نظرات که صاحب اصلی آن کورش مدرسی بود، ما از مدافعین این ترها خواستیم تا ببینند و نظراتشان را در کنگره حزب مطرح کنند و اگر این نظرات رای آورد این حزب بر اساس آن فعالیت و کارهای روتین و روزمره خود را پیش ببرد و اگر هم رای نیورد، مدافعین آن می توانند فراکسیون خود را داشته باشند و در حزب به فعالیت خود ادامه دهند. اما متسفانه طرفداران آن نظریات به این موازین اولیه پایبند نبودند و اساسا از آنجا که میدانستند تزهایشان خریداری نخواهد داشت و برای ارگانهای کلیدی حزب انتخاب نخواهند شد، ترجیح دادند از حزب بیرون رفته و سازمانی را برای تحقق اهداف و دیدگاههای خود تشکیل دهند.

تیتروار باید گفت که مواضع کسانی که از حزب بیرون رفتند عبارت بود از: تشکیل مجلس موسسان، تشکیل دولت با بخشی از حکومت فعلی، مشخصا با جریان حجاریان، پوچ و بیهوده دانستن شورا و مهم تر از همه میگفتند سوسیالیسم مردم را رم میدهد و برای جامعه ایران زودرس است. اینها و مجموعه ای از تزهائی دیگر را در مقابل حزب کمونیست کارگری و در تقابل با تلاش بیش از دو دهه منصور حکمت قرار دادند. اکنون بعد از رفتنشان از حزب میبینیم که هیچ جا اثری اجتماعی از آنها نیست.

در مورد سوال دوم شما بگم که جنگ و دعوایی که اکنون در جامعه در جریان است، دعوا و تقابل کرد ها با اقتدار گرایان، نیست بلکه اگر دقت کرده باشید رژیم جمهوری اسلامی با بقول شما اقتدارگرایان، بیست و هفت سال است که نه تنها

در کردستان بلکه در سراسر ایران در مقابل هر گونه صدای آزادیخواهی و برابری طلبانه ایستاده و آنرا سرکوب می کند. در جایی مثل سندج و در جریان اعتصاب کارگران نساجی و اعتراض و مبارزه کارگران شاهو و آلمین که برای ابتدایی ترین حقوق خود دست به اعتراض زده بودند، رژیم جمهوری اسلامی و نهادها و کمیته و پلیسش دست در دست کارفرمایان کرد از استاندار، فرماندار و دیگر مهر های اتفاقاً کرد زبان خود، به سرکوب و اذیت و آزار کارگران پرداختند.

شما دقت کنید و ببینید در شهر های کردستان چه کسانی هستند که حرکت اعتراضی و حق طلبانه مردم را سرکوب می کنند؟ اگر منظور شما از کردها جناب ادب و جلالی زاده و بقیه نمایندگان ریز و درشت خود رژیم در کردستان است، اینها دعوا و غرو لندشان بخاطر سهم خواهی بیشتر است و معترض اند که کاسه لیبسی چندان سیرشان نمی کند و باید دم در آشپزخانه بنشینند. بنا بر این آنچه که امروز بعنوان تقابل در جامعه و بر اساس سوال شما در کردستان موجود است، عبارت است از رویا رویی بیش از دو دهه مردم جان به لب رسیده در مقابل این رژیم

و در جریان همین رویا رویی نیز کاربدستان و سرمایه داران و مامورین کرد، دوشا دوش رژیم و در خدمت به تداوم و بقا آن کوتاهی نکرده اند. با توجه به آنچه که گفته شد، دیگر دلیلی برای ایجاد هويت کردی و دولت مستقل و غیره وجود ندارد. حتی اگر تقابل یک دست دولت مرکزی در مقابل علی العموم مردم کردستان، با تمام اقشار و طبقات جامعه هم می بود، راه حل آن تراشیدن دولت مستقل و رواج هويت کردی نبود، بلکه فراهم نمودن شرایطی می بود که مردم خارج از هر نوع تعلقات قومی، ملی و مذهبی در جهت یک همسرنوشتی انسانی و طبقاتی در سطح کشور گام بردارند. مسئله حق تعیین سرنوشت و دولت مستقل را می توان جداگانه مورد بحث قرار داد و در آینده در این زمینه و مفصل تر به نکاتی خواهم پرداخت اما عجالتها این را بگم که مسئله سرنوشت مردم در کردستان را باید یک رفرا ند

در کردستان و توسط خود مردم تعیین کند که آیا خواهان جدایی از کشور هستند یا ماندن در چهارچوب ایران و با برسمت شناسی حق برابر شهروندی؟ ما شق دوم را به نفع مردم کردستان میدانیم و شرایط و اوضاع سیاسی اجتماعی و طبقاتی در کردستان نیز این را به ما میگوید.

در این رابطه شما را رجوع میدهم به نوشته بسیار ارزشمند منصور حکمت تحت عنوان (ملت ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری). حتما در فرصت های بعدی پیرامون این مسئله صحبت خواهیم کرد.

کریم از سقزی پرسید: من هم به این که شما می گویند برابری تمامی انسانها، معتقد هستم اما میگویم آيا شما به دین و مذهب معتقد هستید یا نه؟ و باید هم اطلاع داشته باشید که جامعه ایران يك جامعه ی توده ای و عوام است که به مذهب زیاد پایبند هستند. به نظر من بلون در نظر گرفتن این مسئله موفقیت زیادی عایدتون نمیشه.

ع. گلبریان: کریم عزیز از اینکه تو هم همانند ما به برابری انسانها معتقد هستی جای بسی خوشحالیه و داشتن چنین اعتقادی چه در حرف و چه در عمل، خود یکی از کلیدهای اساسی این مسئله است. بسیاری از مردم در این رابطه همانگونه که تو معتقد هستی که انسانها باید برابر باشند، فکر میکنند. حال ممکن است دارای باورهای مذهبی هم باشند. اما باید به این مسئله توجه داشت که کسانی که خواهان آزادی و برابری برای خود و جامعه باشند و از طرفی خود را ضد رژیم بدانند، باورهای مذهبی شان چیزی نیست جز تحمیل ایده های خرافی و عادت بر آنها و گرنه نمیشود به آزادی و برابری معتقد بود و همزمان به بقا و تداوم بنیادهای مذهبی که بشدت ضد آزادی و برابری است باور داشت. این دو کاملا در مقابل هم و در تضاد با هم قرار دارند.

ما کمونیستهای کارگری نه تنها به هیچگونه مذهبی باور نداریم بلکه معتقدیم که مذهب یکی از بزرگترین موانع بر سر راه سعادت و

از صفحه ۵

پاسخ به سوالات دریافتی

خوشبختی و برابری انسانهاست و در طول تاریخ موجودیت آن، همواره در تقابل پیشرفتهای علمی بشری قرار داشته و دارد. ریشه یابی پایه های مذهب در تقابل با علم و دانش، بطور جداگانه يك بحث فلسفی را میطلبد که امید است در فرصت دیگری بدان پردازیم. اما برخلاف نظر شما، ما معتقد نیستیم که توده مردم در ایران

مطالعه کنید. مردم و بویژه جوانان، مراسم های مسخره عاشورا و تاسوعا را به حسین پارتی تبدیل می کنند. خلاصه برای اینکه فهمید مردم چقدر مذهبی و ضد مذهب هستند، باید مراسم های هشت مارس را دید، اعتراض روزمره مردم و بویژه زنان را در طول حاکمیت رژیم اسلامی نگاه کرد و سری به زندگی عمومی آنان کشید تا متوجه شد که مذهب چقدر مورد تنفر مردم است. جنگ و دعوی چندین ساله عوامل و نیروهای رژیم اسلامی با مردم بر سر يك پدیده مشخص بنام ماهواره،

نمی کنند. مذهب و اسلام امروز بجز کاربرد سستان رژیم و عوامل سرکوبگرش، برای کسی موضوعیت ندارد. اتفاقاً یکی از عوامل موفقیت در فعالیتهای روزمره و همیشگی حزب ما، افشاء ماهیت ضد بشری مذهب بوده است و باید مذهب را بعنوان عامل کشتار انسانها بیش از این به جهانیان معرفی کرد و شناساند.

...

از صفحه ۴

اول ماه مه و ...

بورژوازی عسبایی نداشته اند. میگویند: "کارگر باید غیر سیاسی باشد، کارگر مستقل است، نیاز به حزب ندارد، نگذارید فلان سایتها مراسمهای کارگری را پوشش دهند، افکار حزبی را در خانه جا بگذارید". این گفته ها آیا از سر دیدگاه و دورنمایشان است؟ یا از سر ترس از نفوذ سیاست و ادبیات کمونیسم کارگری و یا اینها با امکانگرایی عقب مانده شان آگاهانه یا نا آگاهانه دارند آب به آسیاب سرمایه داران میریزند؟! به نظر من همه اینها بر

افکارشان تاثیر دارد اما این آخری بیشتر وصف حال آنها است. یعنی با این سیاست دارند هیزم بیار آتش سرمایه داران میشوند. امروز در شرایطی که هر باند توحش مذهبی یا هر جریان ارتجاعی ناسیونالیستی در صدد اعمال قدرت و حاکمیت خود است، در شرایطی که نظام سرمایه در حال ملیتاریزه کردن خاور میانه است، در شرایطی که رژیم اسلامی با هزار ترفند میخواهد کارگر در سیاست دخالت نکند. طرح این سیاست که "کارگر غیر سیاسی است" بی ربطی

این جریانات را به جنبش کارگری و منافع مردم عیان میکنند. این سیاست غیر اجتماعی و پا در هوا از کجا آمده است؟ چه معنایی میتواند داشته باشد؟ آیا این سیاست معنایی جز تسلیم کارگر و به تبع بشریت متمدن در مقابل این همه جنایت نیست؟ بر عکس این جریانات حاشیه ای، حزب کمونیست کارگری با تمام قدرت و توان خود تلاش میکند که همین کارگران و مردمی که چاره ای به جز دخالت فعال در سیاست ندارند، قدرت را از چنگ حاکمین امروز در بیاورند. میخواهد مردم در راس آنها کارگران علیه هر دو قطب ارتجاعی اسلامی و آمریکایی

نشان میدهد که مردم جامعه ما چگونه خود را با الگوهای غربی تعریف و ترجمه می کنند. تا کشور این معضل ماهواره را رژیم اسلامی نتوانسته است برای خود حل و فصل کند و هر روز ابعاد وسیع و دامنه دارتری را بخود می گیرد. اینترنت نیز یکی دیگر از این پدیده هاست که رژیم اسلامی میلیونها دلار برای ایجاد سد و مانع در مقابل کاربران اینترنتی در ایران، هزینه صرف میکند. اینها و نکات بسیاری از این قبیل می تواند نشان دهد که مردم ذره ای برای مذهب تره خرد

بایستند.

این حزب توهم به اصلاح رژیم را در ایران از میان برداشت. این حزب با تمام قوا پای همبستگی جهانی تشکلهای کارگری با کارگران ایران رفت و با امکانات تبلیغی قوی فضای پیشروی این جنبش را آماده کرد.

در نهایت برای روشن شدن این دوستان به فاکتهای زیر از مارکس و انگلس در انترناسیونال اول و دوم اشاره میکنم، در انتر ناسیونال اول (۱۸۷۱) خود مارکس بر اساس تجربیبات کمون پاریس به این نتیجه رسیده که طبقه کارگر بدون وجود يك حزب سیاسی، توده ای و سازمانده و

پراتیک نمیتواند به پیروزی برسد. در انتر ناسیونال دوم (۱۸۸۹) کنگره معتقد بود مبارزه طبقه کارگر به تنهایی کافی نبوده و به همین دلیل قراری را تصویب کرد که در آن بر اهمیت تشکیل احزاب سیاسی کارگران و مبارزه طبقه کارگر برای به دست آوردن قدرت سیاسی تاکید شده است. طرح "کارگر غیر سیاسی" از جانب فعالین جریانات چپ سنتی و جناح چپ ناسیونالیسم کرد زیادی نچسب و فرصت طلبانه است. امید وارم که این سیاست تنها از سر ضعف آنها بوده باشد نه سیاست رسمی و جا افتاده در صفوفشان. ۴/۲/۱۳۸۵

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

مشخصات فنی

Satellite: Telstar 12 Center
Frequency:
12608MHz
SymbolRate:19279
FEC:2/3
Polarization:
Horizontal

از سایت ایسکرا دیدن کنید

www.iskraa.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!